

## تعهد به ارائه اطلاعات و همبستگی قراردادی

| وحید نظری\* | دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران  
| سیدمرتضی قاسم‌زاده | استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران  
| عباس کریمی | استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

### چکیده

جهان قراردادی هر روز شاهد تقویت بُعد رابطه‌ای قرارداد و اخلاق رابطه‌ای در آن می‌باشد. از جمله پیامدهای چنین توجهی، طرح مبانی جدید به منظور تأمین حداکثری عدالت قراردادی بوده که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، مبنای همبستگی قراردادی است. مبنایی که دربردارنده الزام توجه به منافع اطراف عقد در حقوق و تعهدات قراردادی و به‌ویژه در تعهد ارائه اطلاعات است که در نظام حقوقی - قضایی ایران براساس مقدمه قانون اساسی و اصول ۲ و ۳ آن قابل توجیه است. تعهد به ارائه اطلاعات بر مبنای جدید همبستگی از مبانی نقص رضایت و حُسن نیت که صرفاً به تعهد پیش‌قراردادی اطلاع‌رسانی محدود می‌شد، عبور کرده و ضمن شمول تمامی مراحل حیات قراردادی، علاوه بر تعهد به آگاه کردن، تعهد اخطار و تعهد مشاوره را نیز دربرمی‌گیرد. در تعهد به آگاه کردن، با ارائه اطلاعات به صورت خام امثال تکلیف شده و درجه پائینی از توجه به منافع شریک قراردادی مطرح است. لیکن در تعهد اخطار، علاوه بر ارائه اطلاعات، تأکید به جوانب منفی و خطرها و ریسک عمل حقوقی طرح شده و در تعهد مشاوره از این هم فراتر رفته و تلاش می‌شود تا با همکاری متعاقدين، تصمیم اطراف عقد به سمت مناسب‌ترین اقدام جهت‌دهی شود که در این قسم از تعهد ارائه اطلاعات و در صورت ایجاب شرایط، تعهد به انصراف از انعقاد عقد که به نوعی با اصل منع مداخله در امور اشخاص نیز برخورد دارد، مطرح می‌شود، امری که توجه به منافع اطراف عقد در آن کاملاً مشهود است.

واژگان کلیدی: تعهد ارائه اطلاعات، همبستگی قراردادی، تعهد به آگاه کردن، تعهد اخطار، تعهد مشاوره، تعهد به انصراف.

### مقدمه

تعهد ارائه اطلاعات که بیشتر متمرکز بر تعهد اطلاع‌رسانی پیش‌قراردادی است. در نوشته‌های حقوقی داخلی بر مبنای عیب رضا و حُسن نیت مورد تحلیل قرار می‌گیرد و در نوشته‌های خارجی نیز مبنای مطروح عبارت است از سکوت متقابلانه، حُسن نیت و در نهایت مسئولیت مدنی. همان‌طور که مشخص است چنین تحلیلی از یک سو منحصر به مرحله پیش‌قراردادی بوده و تعهدی به ارائه اطلاعات در مرحله پس از انعقاد عقد نمی‌شناسد و از سوی دیگر نیز اگر عدم ارائه اطلاعات حتی در مرحله پیش‌قراردادی تأثیری در رضایت طرف مقابل نداشته باشد، اثری در رابطه‌ی قراردادی نخواهد داشت. لیکن در نوشتار حاضر تعهد به ارائه اطلاعات مهم به‌عنوان روشی برای معرفی یک نرم و استاندارد مثبت رفتاری خاص در قرارداد یعنی: لزوم در نظر گرفتن منافع اطراف عقد بر مبنای همبستگی قراردادی، ارائه می‌شود. به عبارت دیگر و جدا از هرگونه تقنین، در حال حاضر یک تعهد اطلاع‌رسانی موفق به تأسیس خود در متنوع‌ترین زمینه‌های قراردادی و در تمامی مراحل حیات قراردادی شده است که تحلیل آن به منظور ورود به حقوق داخلی و تأمین هر چه بیشتر عدالت قراردادی، کمال اهمیت را دارد. پس ابتدا به توسعه این مفهوم و تأثیر آن بر اصل آزادی قراردادی نگاهی انداخته و سپس، تغییر در مبنای و از این رو، مفهوم و شیوه‌های این تعهد جدید را دنبال می‌کنیم.

### ۱- توسعه تعهد اطلاع‌رسانی با توجه به اصل آزادی قراردادی

به ویژه در قرن بیستم، ایجاد تعهد اطلاع‌رسانی (Alisse, 1975; Lucas de Leyssac, 1978: 305; ) و فردگرایانه است که تا آن زمان مشخصه حقوق قراردادی بوده است. در واقع، این تعهد «بهترین استدلال‌ها را علیه دکترین لیبرال دارد» (El Gharbi, 2004: 723). در ابتدا تعهد اطلاع‌رسانی از آنجایی که خارج از اراده متعاقدين به ایشان تحمیل می‌شود، برخلاف آزادی قراردادی است و سپس، خطری را در رابطه با امنیت قضایی ایجاد کرده و در نهایت استقلال اطراف عقد را به خطر می‌اندازد، زیرا این تعهد بر مبنای جدید، الزام «کمک و وابستگی را تقویت می‌کند» (El Gharbi, 2004: 723).

بنابراین ایجاد و توسعه این تعهد، خواه حقوقی (Mainguy, 2014) باشد خواه از طریق رویه قضایی (Vabret, 2012)<sup>۱</sup>، به عنوان ابزاری ایده آل برای محدود کردن جایگاه و قدرت اصل آزادی به نفع احیای اصل برابری از یک طرف و توجه به واقعیت عینی شریک قراردادی (Courdier-Cuisinier, 2006: 372; Thibierge-Guelfucci, 1997) - به ویژه زمانی که وی در موقعیت ضعیفی قرار دارد - از طرف دیگر، معرفی می شود.

اصطلاحاتی که به طور عام و بر مبنای جدید همبستگی قراردادی به عنوان تعهد اطلاع رسانی به آن اشاره می شود، بسیار متنوع است (Fabre-Magnan, 1992: 370). علاوه بر اطلاعات؛ خبر، هشدار، مشاوره، گاهی اوقات «اخطار، جلب توجه، آگاه کردن، از اشتباه در آوردن» (Fabre-Magnan, 1992: 7) نیز ذیل این تعهد مطرح می شوند. همچنین می توانیم در مورد ممانعت و انصراف نیز صحبت کنیم که اغلب با استفاده از اطلاعات مطرح می شود. به طور کلی حقوق مصرف کمک قابل توجهی به حقوق عادی در این زمینه خواهد کرد، زیرا اساساً قراردادهای بین متخصصان و مصرف کنندگان تحت پوشش این تعهد قرار می گیرند (Terré, 2013؛ شهبازی نیا و سجادی، ۱۳۹۰: ۲۱۳).

از این رو توسعه تعهد ارائه اطلاعات و زمینه هایی که به تدریج تحت پوشش آن قرار خواهد گرفت، با تغییر و تحول در مبنا و اساس آن همراه است.

## ۲- تحول در مبنای تعهد اطلاع رسانی

در مرحله نخست، هیچ ضمانت اجرایی برای عدم ارائه اطلاعات وجود نداشت. در واقع، چنین ضمانت اجرایی مربوط به تدلیس و فریب می شد و ملاحظه کاری و احتیاط برای توصیف فریب کافی نبود (Flour et Aubert et Savaux, 2012: 200).

سپس تحولی در مبنای تعهد اطلاع رسانی ایجاد می شود (Le Tourneau, Bonne foi)؛ سیداحمدی سجادی و اعلم الهدی و مظلومی، ۱۳۹۸؛ شعاریان، ۱۳۹۰؛ حاجی پور، ۱۳۹۵)، تحولی مهم که باید بدان توجه داشت، زیرا مفهوم وظیفه ارائه اطلاعات را نشان می دهد. مبنای تعهد اطلاع رسانی و آگاه کردن، در واقع بین سکوت متقلبان، مسئولیت مدنی و مبنای سوم یعنی حُسن نیت در نوسان بوده است (Roland et Boyer, 1995; Sériaux, 1998; Fabre-Magnan, 1992; Calais-Auloy, 1994: 239). لیکن در حال حاضر مبنای دیگری برای آن می توان شناخت که عبارت است از همبستگی قراردادی.

1. CA Versailles, 1re ch., 10 janv. 1997, RTD civ. 1997, p. 930, obs. J. Mestre (Garagiste) ; Cass. civ. 1e, 3 juin 1998, Bull. civ. I, n° 198 ; JCP 1998, IV, n° 2684 (Vendeur professionnel) ; 25 févr. 1997, RTD civ. 1997, p. 924, obs. J. Mestre (Médecin).

این امر نشان می‌دهد که تئوری نقص در رضایت یا ارتباط تعهد اطلاع‌رسانی به فریب و تدلیس، دیگر برای پاسخ به تمامی جنبه‌های این تعهد کافی نیست، زیرا دیگر تعهد اطلاع‌رسانی منحصرأ به دلیل تأثیرش بر رضایت طرفین، اعمال نخواهد شد (Mehanna, 2014: 213). به عقیده برخی نویسندگان شکی نیست که دیگر وظیفه همکاری و همبستگی، مبنای «کافی» (Courdier-Cuisinier, 2006: 372) برای وظیفه اطلاع‌رسانی است، حتی اگر هم‌زمان تأیید شود که «ظهور و توسعه این تعهد در حقوق موضوعه، پیش از ظهور و توسعه وظیفه همکاری بوده است» (Courdier-Cuisinier, 2006: 372).

از این رو واقعیت این است که این تعهد بر مبنای جدید به ابزاری برای اخلاقی کردن قرارداد تبدیل می‌شود، زیرا دیگر اثر عدم ارائه اطلاعات بر کیفیت رضایت مربوط نمی‌شود که موجب نقصان شود، بلکه یک الزام اخلاقی شفاف بودن و لزوم همبستگی است.

بنابراین آنچه که مورد توجه ما است، کیفیت خاصی از تعهد ارائه اطلاعات می‌باشد که در منافع اطراف عقد دخیل بوده و وضعیت واقعی آن‌ها را در نظر گرفته و بر ارزش‌های رابطه‌ای متمرکز است. پس پرسش مطروح این است که چگونه می‌توان چنین تعهدی را معین کرد؟ و چگونه این تعهد، الزام به توجه به منافع اطراف عقد را توجیه می‌کند؟

در پاسخ به پرسش‌های مزبور ابتدا معیار شناسایی تعهد اطلاع‌رسانی، جلوه‌ای از توجه به منافع اطراف عقد و سپس، کیفیت‌های مختلف این توجه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱-۲- معیار شناسایی تعهد اطلاع‌رسانی، جلوه‌ای از همبستگی قراردادی

چگونه می‌توان تعهد به ارائه اطلاعات مهم را با تأکید بر لزوم توجه به منافع اطراف عقد بر مبنای همبستگی قراردادی شناسایی کرد؟

در همین خصوص یکی از نویسندگان در تعهد اطلاع‌رسانی، طبق یک معیار عملکردی، بین آنچه که بر رضایت طرفین تأثیر دارد و آنچه که بر اجرای قرارداد تأثیر می‌گذارد، تفاوت قائل می‌شود (Fabre-Magnan, 1992: 356). برخی نویسندگان (Mehanna, 2014: 214) نیز از نوع سومی از تعهد اطلاع‌رسانی سخن می‌گویند، یعنی آنچه که بر وضعیت طرف دیگر قرارداد تأثیر گذاشته (Fabre-Magnan, 1992: 344) و با آنچه که در قرارداد مداخله می‌کند تا حداکثر سودمندی و کارایی قرارداد را تأمین کند، متفاوت است.

اما آیا این تمایز عملکردی با سیر زمانی اطلاعات بین تعهد اطلاع‌رسانی پیش از انعقاد قرارداد و قراردادی، مطابقت دارد؟

در واقع، تفاوت در شدت الزامات اخلاقی می‌تواند با مراحل مختلف زندگی قراردادی مرتبط باشد. اگر تعهد ارائه اطلاعات در خدمت اخلاق فردی، یعنی وظیفه وفاداری یا صداقت، به وسیله

تعهد اطلاع‌رسانی پیش از انعقاد قرارداد (پیش‌قراردادی) ایجاد شود؛ الزام اخلاقی شدیدتر، یعنی لزوم توجه به منافع متعاقدین، به وسیله تعهد به ارائه اطلاعات قراردادی (پس از انعقاد عقد) و در حین اجرای قرارداد به وجود می‌آید.

اما این تمایز عملکردی همیشه با تقویم زمانی پیش‌گفته مطابقت ندارد. اگر تعهد پیش‌قراردادی ارائه اطلاعات به طور پیشینی با تعهدی که در رضایت طرفین تأثیر دارد مطابق باشد، اما این امر همیشه صادق نیست. ما می‌توانیم در مرحله پیش‌قراردادی، قصور در ارائه اطلاعات را تصور کنیم که بر رضایت یکی از متعاقدین تعیین‌کننده نیست، اما نشان‌دهنده یک عدم صداقت یا یک قصور در لزوم توجه به منافع اطراف عقد باشد. علاوه بر این، ارجاع به وضعیت شریک قراردادی شامل تمام مراحل حیات قرارداد از مرحله مذاکرات و مرحله اجرای قرارداد و حتی پایان قرارداد خواهد بود.

اگر مطابقت بین معیارهای عملکردی و تقویمی (زمانی) همیشه صحیح نباشد، لیکن همواره تفاوت در جایگاه اختصاص یافته به اصل آزادی قراردادی را نشان می‌دهد. درحالی که در مرحله پیش‌قراردادی، آزادی به‌عنوان اصل باقی است و فراخوانده می‌شود تا نقش بسیار مهمی ایفا کند که مطمئناً در بینش اخلاقی در این مرحله تأثیر می‌گذارد، در مرحله قراردادی، تحول الزامات اخلاقی نشان‌دهنده کاهش جایگاه اصل آزادی به نفع دیگر ارزش‌ها و با توجه به رابطه قراردادی است.

براساس مطالب مذکور، معتقدیم که بر مبنای همبستگی قراردادی لازم است از تعهد اطلاع‌رسانی که مؤثر در رضایت طرفین است و همچنین آن‌هایی که به دلیل عدم رعایت اخلاق فردی مجازات می‌شوند، صرف‌نظر شود. بنابراین، پس از آن می‌توانیم تعهدات اطلاع‌رسانی را که بر پویایی توجه به منافع اطراف عقد تأکید دارد شناسایی نمائیم که با عنوان «تعهد ارائه اطلاعات مهم» قرار می‌گیرد.

## ۲-۲- عبور از مبانی سابق

در واقع این تحول مبنای مفهوم است که تکامل چشم‌انداز این روش و تکنیک قراردادی را نشان می‌دهد. کنار گذاشتن مبنای نقص رضایت و نزدیکی به همبستگی قراردادی، نشان‌دهنده یک پیشرفت و تحول مهم در مفهوم تعهد اطلاع‌رسانی است: از ابزاری برای بهسازی رضایت، تبدیل به وسیله‌ای می‌شود برای اخلاقی کردن قرارداد. از این‌رو دیگر توجه به کیفیت رضایت معطوف نیست، بلکه به کیفیت رفتار مربوط است. این امر در عین حال نشان‌دهنده کاهش دُغم و تعصب استقلال اراده و اهمیتی است که به اصل آزادی اعطا شده است، زیرا دیگر تأثیر بر رضایت طرفین نیست که مورد بررسی قرار می‌گیرد، بلکه یک الزام اخلاقی است که مطرح می‌شود. اما این چگونه الزام اخلاقی است؟ شفاف بودن؟ کمک به دیگری؟

دو عملکرد تعهد اطلاع‌رسانی یعنی؛ بهسازی رضایت و فقدان اخلاق فردی، کنار گذاشته می‌شود تا به ما اجازه دهد که کارکرد دیگر آن را که دربردارنده لزوم توجه به منافع شریک قراردادی است، شناسایی کنیم.

## ۲-۲-۱- بهسازی رضایت

نوع نخست تعهد به ارائه اطلاعات باید از آنچه که مورد بررسی ما می‌باشد، متمایز شود. این تعهدی است که براساس کیفیت رضایت عمل می‌کند و به طرف قراردادی که در وضعیت ضعیفی از نظر اطلاعاتی قرار دارد اجازه می‌دهد وضعیت خود را تقویت کرده و بتواند رضایت آگاهانه‌تری اعلام کند (شهبازی‌نیا و سجادی، ۱۳۹۰: ۲۰۳ و ۲۰۵؛ سیداحمدی سجادی، اعلم‌الهدی و مظلومی، ۱۳۹۸؛ ره‌پیک و شمس‌اللهی، ۱۳۹۶: ۱۵۲).<sup>۱</sup>

حتی اگر در نگاه اول، واقعیت الزام کردن یک طرف به آگاه کردن طرف دیگر، به منزله حمله به دکتترین فردگرایی و آزادی متعاقدين به‌عنوان بهترین مدافع منافع خود (Jourdain, 1983: 144) باشد؛ این حمله توسط هدف دیگر همان فردگرایی توجیه شده و در جهت نظریه استقلال اراده، یعنی تقویت کیفیت رضایت حرکت می‌کند (Mekki, 2004: 781). بنابراین نخستین شکل از تعهد ارائه اطلاعات در جهت تقویت اصل آزادی قراردادی و استقلال اراده عمل می‌کند (Mazeaud, 2012: 56). امری که در اصلاحات اخیر حقوق قراردادهای فرانسه و در ماده ۱۱۱۲-۱ قانون مدنی نیز در نظر گرفته می‌شود: «طرفی که اطلاعاتی را میداند که (وجود) این اطلاعات در رضایت طرف دیگر نقش مؤثری دارد، مکلف است طرف دیگر را مطلع سازد، در صورتی که طرف مقابل به‌طور مشروعی جاهل به این اطلاعات بوده و یا به طرف مقابل اعتماد کند، اطلاعاتی که ارتباط مستقیم و ضروری با محتوای قرارداد یا اوصاف طرفین قرارداد دارند، اطلاعات مهم تعیین‌کننده تلقی می‌شوند. شخصی که مدعی است اطلاعات ضروری باید به وی برسد، باید این امر را اثبات نماید. البته پس از اثبات این امر، اثبات اعلام این اطلاعات به طرف مقابل برعهده متعهد ارائه‌ی اطلاعات می‌باشد. هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند این تکلیف را محدود یا ساقط کند. صرف نظر از تکلیف مذکور، عدم ارائه اطلاعات می‌تواند سبب انحلال قرارداد مطابق ماده ۱۱۳۰ و مواد بعدی شود». ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی این کشور نیز مقرر می‌دارد: «اشتباه، تدلیس، و اکراه موجب بطلان رضا می‌شوند، اگر که بدون وجود این عوامل یکی از طرفین چنین قراردادی را منعقد نمی‌کرد یا اینکه با شرایط کاملاً متفاوتی مبادرت

1. Le Gac-Pech, S., comm. sous Cass. com., 7 févr. 2012, n° 11-10.487, Juris-Data n° 2012-001705, JCP E 2012, 1263.

به انعقاد قرارداد می نمود. ماهیت اعمال فوق با توجه به اشخاص و اوضاع و احوالی که رضا در آن محقق شده سنجیده می شود» (بزرگمهر و مهرانی، ۱۳۹۵: ۲۶ و ۳۳).

در نگاه اول ممکن است به نظر برسد که براساس مواد مذکور بار دیگر این عیب رضا و نقص در رضایت است که مبنای تعهد به ارائه اطلاعات را در نظام حقوقی فرانسه تشکیل می دهد نه حُسن نیت و نه رابطه همبستگی. در خصوص حُسن نیت این استدلال پذیرفتنی است، زیرا قانون مدنی فرانسه که در ماده ۱۱۱۲-۱ خود از تعهد ارائه اطلاعات سخن می گوید هیچ اشاره ای به حُسن نیت که در ماده ۱۱۰۴ همان قانون درج شده، ندارد. پس استنباط می شود که این دو الزام مستقل از یکدیگرند. لیکن مبنای نقص رضایت را نیز نمی توان پذیرفت. در توجیه این امر می توان گفت قانونگذار فرانسوی ضمن توجه به گفتمان گسترده ای که در خصوص تعهد ارائه اطلاعات در این نظام حقوقی وجود داشته، با اینکه در صدر ماده ۱۱۱۲-۱ از نقش اطلاعات در رضایت طرفین سخن می گوید، اما در قسمت اخیر همان ماده بیان می دارد که صرف نظر از تکلیف مذکور (یعنی تعهد به ارائه اطلاعات)، عدم ارائه اطلاعات می تواند منطبق با مواد ۱۱۳۰ به بعد قانون مدنی، موجب انحلال عقد شود. پس در نظر مقنن فرانسوی عدم ارائه اطلاعات می تواند موجب دو امر باشد: از یک طرف منجر به عیب رضا شود که ضمانت اجرای مقرر در مواد ۱۱۳۰ به بعد قانون مدنی را به همراه دارد و از طرف دیگر ممکن است تأثیری در رضایت طرفین نداشته باشد که این فرض نیز مطابق صدر ماده ۱۱۱۲-۱ نهی شده و ضمانت اجرایی خود را در پی خواهد داشت. در تقویت استدلال مزبور می توان افزود که تعهد ارائه اطلاعات اگر صرفاً به دلیل نقشی که در رضایت طرفین دارد، مورد شناسایی قرار گیرد، صرفاً به مرحله پیش قراردادی و مذاکرات قبل از انعقاد عقد مربوط شده و هیچ اثری در مرحله اجرای قرارداد نخواهد داشت. در حالی که این تعهد در مرحله اجرای قرارداد واجد آثار بسیار مهمی است. علاوه بر اینکه اگر مبنای نقص رضایت پذیرفته شود، با توجه به وجود مواد ۱۱۳۰ به بعد قانون مدنی فرانسه، دیگر نیازی به تقنین ماده ۱۱۱۲-۱ نبوده و تصویب آن توجیه نخواهد شد.

در نظام حقوقی ایران نیز آنجائی که سخن از تدلیس منفی است، لزوم ارائه اطلاعات در خصوص عیوب پنهان مورد معامله توسط انتقال دهنده مطرح می شود. با این توضیح که اگر انتقال دهنده اطلاعات مربوط به عیوب پنهان مورد معامله را به طرف مقابل ارائه نکند، مرتکب تدلیس شده و در این فرض است که از سکوت متقلبانه و ضمانت اجرای عدم ارائه اطلاعات سخن گفته می شود (کاتوزیان، ۱۳۹۳/۵: ۲۸۳) امری که در ماده ۱۲ قانون بیمه ۱۳۱۶ نیز مورد تصریح مقنن قرار گرفته و در ماده ۱۳ قانون مزبور از این هم فراتر رفته و سکوت یا اظهارات خلاف واقع غیر عمدی را نیز در قرارداد بیمه مؤثر می داند. لیکن آنچه که تحلیل مذکور را از تعهد خاص ارائه اطلاعات دور می سازد، ضمانت اجرای آن

و انحصار آن به مرحله پیش از انعقاد عقد است. با این توضیح که در تدلیس منفی و در فرض پذیرش قضایی آن<sup>۱</sup>، بدون اینکه خدشه‌ای به اراده و رضا وارد آید، طرف فریب‌خورده صرفاً حق فسخ معامله را پیدا می‌کند. از این رو تحلیل مذکور در نظام حقوقی ایران به منظور توجیه تعهد ارائه اطلاعات تمام نبوده و آن چنانی که باید نمی‌تواند نیاز تقنینی و قضایی را برآورده سازد. علاوه بر اینکه از توجه به آن فقط می‌توان در خصوص ارائه اطلاعات پیش قراردادی سخن گفت، نه تمام مراحل قرارداد.

این شکل از تعهد اطلاع‌رسانی، مظهر توجه به منافع اطراف عقد نیست. اما دقیقاً چه اتفاقی می‌افتد زمانی که اطلاعات به منظور شفاف و واضح کردن رضایت، دخالت نمی‌کنند؟

### ۲-۲-۲- ضمانت اجرای اخلاق فردی

از شکل دیگری از تعهد به ارائه اطلاعات نیز باید خودداری شود که جلوه‌ای از همبستگی و لزوم توجه به منافع شریک قراردادی نیست، حتی اگر نشان‌دهنده عبور از مجازات نقص رضایت، به مجازات فقدان اخلاق که در اینجا اخلاق فردی است، باشد.

به این صورت که فراتر از تضاد منافع که اغلب بین طرفین قرارداد وجود دارد، اخلاق، کیفیت خاصی از رفتار را به آن‌ها تحمیل می‌کند. اما به درستی، این اخلاق رفتاری چه کیفیتی دارد؟ «آیا این اخلاق ملزم می‌کند بدون اینکه هیچ عایدی داشته باشیم، به دیگران آسیب نرسانیم؟ اینکه حتی به خاطر منافع خود به دیگران آسیب نرسانیم؟ اگر به منافع خود خدشه‌ای وارد نشود،

۱. چه اینکه همچنان در رویه قضایی شاهد آرای متناقض در این خصوص هستیم که برای نمونه می‌توان به دادنامه‌های ذیل استناد کرد:

الف) رأی بر عدم پذیرش تدلیس منفی: «سکوت زوجه نسبت به عیب موجب تحقق تدلیس نبوده و در صورت عدم شرط وصف سلامت در حین عقد، استناد به بیماری و عدم اطلاع زوج موجب خیار فسخ نکاح نمی‌شود». شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۹۹۰۰۳۸۵ تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۲/۱۱/۲۱ شعبه هفتم تجدیدنظر استان مرکزی تأیید شده در شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور.

ب) رأی بر پذیرش تدلیس منفی: «عملیات منجر به فریب در معامله، محدود به امور مثبت نیست، بلکه موضوعات منفی چون سکوت آگاهانه و به عمد از وجود وضعیتی در مورد معامله که در صورت آگاهی طرف معامله از آن، به انجام معامله رضایت نخواهد داد، داخل در تعریف فوق است». شماره دادنامه قطعی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۸۱۰۰۳۱۷ تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۲/۱۰/۲۸. شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور.



به دیگران کمک کنیم؟ و سرانجام اینکه حتی برخلاف منافع خود، به دیگران کمک نمائیم؟»  
(Fabre-Magnan, 1992: 25 et 39 ; D'Aquin, 1985: 485).<sup>۱</sup>

در واقع، برای بیش از ۳۰ سال، در رویه قضائی فرانسه پیوندی بین سکوت متقلبانه و حُسن نیت برقرار شده است. «مبنای سکوت متقلبانه تغییر می‌کند: دیگر به دلیل فساد و تباهی رضایت یک طرف قرارداد، متأثر از سکوت عمل نمی‌کند، بلکه بیشتر به دلیل بی‌وفایی و عدم صداقت در روند انعقاد عقد، مورد استفاده قرار می‌گیرد».<sup>۲</sup> به عبارتی این رفتار طرف قرارداد است که مدنظر قرار می‌گیرد نه تأثیر بر اعتقاد شریک قراردادی. این فقدان اخلاق است که محکوم می‌شود نه اشتباه (Mehanna, 2014: 219). نمونه‌ای از تصمیم اتاق بازرگانی در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۵ گواه این موضوع است، جایی که بانکی با داشتن اطلاعات به‌ویژه مهم که نشان می‌دهد بهره‌برداری در آینده توسط مشتری ضمانت شده، محکوم به شکست است، مسئول شناخته می‌شود، به دلیل اینکه به ضمانت‌کننده‌ها اطلاع نداده بوده و آن‌ها از چنین اطلاعاتی برخوردار نبودند. در مورد اخیر، رفتار بانک با چه عنوانی مجازات شده است؟

در واقع این حُسن نیت است که مبنای راه‌حل اتخاذی را تشکیل می‌دهد، نه تئوری نقص در رضایت. بنابراین، این یک اخلاق خاص است که مجازات می‌شود (Aynès, 2006: 86). اما کدام اخلاق؟ آیا بانک به دلیل عدم توجه به منافع ضمانت و ضامنان، مجازات شده است؟ پاسخ به این پرسش باید منفی باشد.

نظر ریپر به ما کمک می‌کند تا پاسخ را تعیین کنیم: «در بیشتر قراردادها، تغایر منافع بین متعاقدین وجود دارد. هر کدام حافظ منافع خود هستند و بنابراین، خود باید به دنبال کسب آگاهی و اطلاعات باشند. پس ندادن نشانه‌ها و آگاهی به طرف مقابل که خود او می‌توانست آن‌ها را به دست آورد، قابل تخطئه نیست. اما اگر یکی از طرفین متعهد باشد تا به‌گونه‌ای صحبت کند که کمترین امکان برای سوءاستفاده از جهل دیگری وجود داشته باشد، راه‌حل تغییر می‌کند و باید با احترام به صداقت، این واقعیت را فاش کند» (Ripert, 1949: 89).

۱. در اینجا به مسئله اساسی رابطه بین اخلاق و حقوق برمی‌گردیم. آیا حقوق باید هر آنچه را که اخلاق تحمیل می‌کند به‌طور سیستماتیک تحمیل کند یا محدودیتی وجود دارد؟ و سپس چگونه می‌توان این محدودیت را ترسیم کرد؟ خانم فابر نظر توماس آکوئیناس را متذکر می‌شود که تأیید می‌کند: «بنابراین [قانون] نمی‌تواند همه چیزهایی را که مغایر با فضیلت است سرکوب کند، فقط می‌تواند آنچه را که می‌خواهد زندگی مشترک را نابود کند، سرکوب نماید».

Fabre-Magnan, M., p. 39: «[la] loi ne peut donc réprimer tout ce qui est contraire à la vertu, elle se contente de réprimer ce qui tendrait à détruire la vie en commun».

2. Libchaber, R., obs. sous Cass. civ. 1e, 13 mai 2003, Bull. civ. no 114, p. 89.

3. Cass. com., 20 sept. 2005, n° 03-19.732.

در اینجا ارزش‌های اخلاقی مطرح عبارت‌اند از: شفافیت (Mazeaud, 2001: 637 et 642)<sup>۱</sup> و صداقت<sup>۲</sup>. پس در مبنای حُسن نیت اخلاق فردی است که مورد ضمانت اجرا و مجازات قرار می‌گیرد. طرف قراردادی غیرصادق و دارای سوءنیت لحاظ می‌شود. او از عدم برابری در اطلاعات بهره برده است. با این حال این اخلاق به‌عنوان یک اخلاق فردی باقی می‌ماند که بدون توجه به تأثیر آن بر وضعیت شریک قراردادی، رفتار اتخاذی را به خودی خود ارزیابی کرده و ارتباطی با همبستگی طرفین ندارد.

در نظام حقوقی - قضایی ایران از آنجائی که نظر غالب بر عدم شناسایی نظریه حُسن نیت است و همچنین با توجه به اینکه حتی بر مبنای حُسن نیت نیز صرفاً تعهد ارائه اطلاعات در مرحله پیش - قراردادی مطرح می‌شود، نه در تمام مراحل حیات قرارداد، از این رو چنین تحلیلی همانند تدلیس منفی، نمی‌تواند توجیه‌کننده وجود و چهارچوب تعهد ارائه اطلاعات در حقوق ایران باشد. بنابراین پرسش مطروح این است که چه معیارهایی برای شناسایی تعهد ارائه اطلاعات مهم که در بردارنده لزوم توجه به منافع اطراف عقد باشد، وجود دارد؟

### ۳- عملکرد تعهد اطلاع‌رسانی، احیای برابری و همکاری

نوع متفاوتی از تعهد اطلاع‌رسانی باید از دو مورد نخست متمایز شود و این همان موردی است که مدنظر ما می‌باشد. در واقع، تعهد به ارائه اطلاعات می‌تواند مجازات شود، زیرا لازم است که وضعیت خاص و منافع شریک قراردادی در نظر گرفته شود. آنچه که تعیین‌کننده می‌باشد، این است که عملکرد تعهد اطلاع‌رسانی در اینجا، نه بهسازی و تقویت رضایت و نه تمایل به مجازات اخلاق فردی یعنی حُسن نیت است، بلکه «ارزش‌های رابطه‌ای» (El Gharbi, 2004: 744) و «تعهد مثبت (فعل) کمک به دیگران» (Fabre-Magnan, 1992: 42)<sup>۳</sup> است.

این تحول در الزامات اخلاقی معرفی شده، نشان‌دهنده یک جهش و تغییر کیفی در نوع نگاه ما به قرارداد و روابطی است که باید در آن وجود داشته باشد. این چشم‌انداز قراردادی نه تنها گسترش کمی وظایف اخلاقی، بلکه تحول کیفی آن‌ها را تعیین می‌کند. پس این یک اخلاق قراردادی جدید

۱. همچنین رجوع کنید به ماده ۱۱۱۲-۱ اصلاحی قانون مدنی فرانسه.

2. Encyclique Populorum progressio, n° 59, Paul VI, 26 mars 1967, in Les trois encycliques sociales, texte présenté et annoté par Robert de Montvalon, Le Seuil, 1967, pp. 375-376.

3. «[si] moralement, il a toujours paru évident qu'il ne fallait pas essayer de tromper autrui, il est plus nouveau d'imposer une obligation positive d'aider autrui. Pourtant, le droit semble aujourd'hui prendre en considération ces deux idées: comme la morale, il est passé d'une exigence de loyauté entre les parties à une volonté d'aider et de protéger la partie la plus faible, impliquant un devoir positif d'informer celui qui ne peut pas s'informer».

بوده و بدیهی است تعهد به ارائه اطلاعات در این جنبش برای اخلاقی شدن حقوق قراردادها جایگاه ممتازی را اشغال می‌کند.

بنابراین تعهد اطلاع‌رسانی حمایت‌کننده از توجه به منافع شریک قراردادی را تشخیص خواهیم داد، هر زمان که در خدمت احیای برابری واقعی طرفین باشد یا هر زمان که این تعهد در خدمت پویایی همکاری عمل کند.

در نتیجه طبق قانون یا رویه قضایی، شاهد ایجاد یک تعهد اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی در برابر شریک قراردادی هستیم (نه صرفاً به منظور سالم بودن رضایت طرف مقابل). ساختار قانونی و رویه‌ای تعهد اطلاع‌رسانی به خوبی به هدف اصلی آن یعنی جستجوی برابری طرفین قرارداد، پاسخ می‌دهد (Mehanna, 2014: 222). این شکل از تعهد اطلاع‌رسانی به منظور اصلاح نابرابری‌های واقعی بین متعاقدین و کاهش موقعیت‌های بهره‌برداری از یکی از طرفین عقد به وسیله طرف دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد و حتی تا آنجا پیش می‌رود که توجه خاصی را به وضعیت واقعی شریک قراردادی ایجاد می‌کند. پس، دیگر برابری شکلی کافی نیست و ما در این تعهد به دسترسی موثر و برابر به اطلاعات و دانش نیازمندیم. و این طرف قراردادی است که به نوعی مسئولیت اطمینان از این برابری موثر در اطلاعات و اطلاع‌رسانی به شریک قراردادی را برعهده دارد. تعهد به ارائه اطلاعات مهم در این واقعیت منعکس می‌شود که «به‌طورکلی، شخص حرفه‌ای ملزم به ارائه اطلاعات یا اطلاع‌رسانی دقیق به افراد ناآگاه است، نه تنها در مواردی که به‌صراحت توسط قانون پیش‌بینی شده است، بلکه در دید کلی، هر زمان که این امر برای طرف مقابل مفید باشد» (Picod, 1988).

در نظام حقوقی - قضایی ایران نیز می‌توان از قانون اساسی به منظور تبیین مبنای مزبور استفاده کرد. به این صورت که با توجه به مقدمه قانون اساسی که اقتصاد را وسیله‌ای برای تکامل و رشد انسان می‌داند، نه هدف برای تکرر ثروت و سودجویی، و همچنین براساس قسمت ج ذیل بند ۶ اصل ۲ و بند ۱۵ اصل ۳ قانون اساسی که حفظ کرامت انسانی و توسعه برادری اسلامی و تعاون عمومی و آزادی توأم با مسئولیت، از طریق همبستگی ملی را طرح می‌کند؛ در حقوق قراردادی و تعهدات منتج از آن و به‌طور خاص تعهد ارائه اطلاعات نیز با استناد به اصل همبستگی مزبور، الزام همکاری متقابل متعاقدین و لزوم توجه به منافع اطراف عقد توجیه شده که از جمله پیامدهای آن، تعهد به ارائه اطلاعات در تمامی مراحل قراردادی است.

در همین زمینه و البته در میان آرای منتشره، اشاره به یک رأی در رویه اداری نظام حقوقی ایران بسیار حائز اهمیت بوده که خود گویای لزوم توجه به مبنای اجتماعی مذکور و رسوخ این مبنا در امور حقوقی - قضایی داخلی است. دادنامه قطعی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۸۰۳۵۵۲ مورخ

۱۳۹۱/۰۹/۲۷ صادره از شعبه ۱۸ دیوان عدالت اداری مقرر می‌دارد: «درخصوص شکایت شاکی به طرفیت اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی گرگان به خواسته اعتراض به رأی شماره ..... نظر به اینکه اداره طرف شکایت برابر مقررات به شکایت رسیدگی کرده و نامبرده دلیل و مدرکی که موجب بی‌اعتباری و تزلزل رأی معترض‌عنه را فراهم می‌کند ارائه و ابراز ننموده است و ایراد وی مبتنی بر قانون نیست، زیرا کلیه مطالبات کارگر می‌بایست محاسبه شود، سپس سازش انجام گیرد و صرف تنظیم صورتجلسه سازش بدون آگاهی وی از حقوق قانونی موجب رفع تکلیف کارفرما نمی‌شود. بنابراین رسیدگی هیأت مطابق قانون است. از این رو دیوان به استناد مواد ۲، ۳، ۳۴ و ۱۴۸ از قانون کار حکم به رد شکایت و ابرام رأی معترض‌عنه را صادر و اعلام می‌کند. این رأی برابر مواد ۷ و ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری صادر شده و قطعی است.» در نتیجه شعبه ۱۸ دیوان عدالت اداری تنظیم صورتجلسه سازش بین کارگر و کارفرما، بدون آگاهی کارگر از حقوق قانونی خویش را موجب رفع تکلیف کارفرما نمی‌داند، امری که تنها بر مبنای الزام همبستگی متعاملین توجیه‌پذیر است. پس دادنامه مزبور در حقوق ایران تعهد کارفرما در ارائه اطلاعات، آن هم پس از انعقاد قرارداد کار و حین اجرای آن را شناسایی و مورد حکم قرار می‌دهد. توجه داریم که تعهد مزبور بر مبنای لزوم توجه به منافع کارگر صورت گرفته و ارتباطی با حسن نیت کارفرما و یا عیب رضا طرفین ندارد. رویه‌ای که باید در نظام حقوقی داخلی بر مبنای همبستگی قراردادی تقویت شود.

توجه به این نکته مهم است که در این تعهد اطلاع‌رسانی که در خدمت منافع شریک قراردادی است، با گذر از «نگرانی معاصر برای تعادل قراردادی، که توجیه‌کننده مداخله یک‌جانبه برای برقراری دوباره تعادل به نفع طرفی که در وضعیت پائین و آسیب‌پذیر قرار دارد» (Mestre, 1986) مواجهیم. ما دیگر تنها در مسیر تصحیحی که عدالت به نابرابری‌های موجود به نفع طرف ضعیف وارد می‌آورد نیستیم، بلکه آنچه که مطرح است کیفیت رفتاری می‌باشد که از هر دو طرف قرارداد در این مسیر خواسته می‌شود.

از طرف دیگر، تعهد ارائه اطلاعات مهم اجازه می‌دهد تا از الزامات ساده اخلاق فردی به منظور تشویق اتخاذ یک فعل، یعنی افشای اطلاعات به منظور حمایت از منافع طرف عقد، عبور کنیم. در این حالت، این امر به‌عنوان یکی از نتایج وظیفه همکاری (Courdier-Cuisinier, 2006: 320)، ظاهر شده و اغلب به طرف قوی قراردادی تحمیل می‌شود.

«رویه قضایی، یک تعهد اطلاع‌رسانی را برعهده طلبکار قرار داده تا وی را قادر به انجام مفید تعهدات خود کند» (Picod, 1990). این گفته، ادعای دموگ را تکرار می‌کند که «یکی از پیامدهای

همکاری طرفین قرارداد این است که هر کدام از متعاقدين متعهد است طرف دیگر را در طول قرارداد از وقایعی که وی در شناخت آن‌ها برای اجرای قرارداد نفع دارد، آگاه کند» (Demogue, 1931). حتی اگر این تعهد اطلاع‌رسانی به ماهیت قرارداد و کیفیت طرفین قرارداد بستگی داشته باشد، مشاهدات فعلی این است که از این تعهد خواسته می‌شود که به‌طورکلی «هر زمان که عدم تعادل اطلاعاتی بین طرفین قرارداد وجود داشته باشد، یعنی زمانی که یکی از طرفین اطلاعات مفید برای خود را نادیده می‌گیرد و طرف دیگر آن‌ها را می‌دانسته یا باید بداند» (Viney et al, 2013: 579) نقش ایفا نماید. این امر تأیید می‌کند که اگر همکاری در برخی قراردادها جایگاه طبیعی‌تری داشته باشد، تمایل دارد که از طریق رویه قضائی در هر قراردادی به یک الزام کلی تبدیل شود. بنابراین تعهد به ارائه اطلاعات در اجرای قرارداد با ماهیت قرارداد و کیفیت طرفین، تنظیم و تحدید می‌شود، اما به‌طورکلی به‌عنوان ابزاری برای اخلاقی‌سازی هرگونه رابطه قراردادی ارائه می‌شود.

برای مثال، یک شرکت فرانسوی اجرای تأسیسات حرارتی، یک سال و نیم پس از اجرای تعرفه مناسب‌تر به‌وسیله گاز دو فرانس اقدام به اطلاع‌رسانی می‌کند. دیوان عالی فرانسه حکم می‌کند که «متعهد که ملزم به انجام تعهدات خود با تأمین هرچه بهتر منافع متعهدلهم است، در صورت عدم انجام وظیفه خود در ارائه اطلاعات و مشاوره، مسئول است». <sup>۱</sup> این تعهد اطلاع‌رسانی در مرحله اجرای قرارداد اتفاق می‌افتد. در اینجا هدف تعهد اطلاع‌رسانی مشخصاً بهسازی و سلامت رضایت طرف دیگر قرارداد نیست، بلکه منعکس‌کننده توجه به منافع وی می‌باشد.

اکنون روش‌ها و کیفیت‌های متفاوت توجه به منافع اطراف عقد را که به‌وسیله تعهد اطلاع‌رسانی معرفی می‌شوند، بررسی می‌کنیم.

#### ۴- همبستگی قراردادی و روش‌های تعهد اطلاع‌رسانی

تعهد به ارائه اطلاعات مهم از طریق روش‌های مختلف، لزوم توجه به منافع متعاقدين را دربرگرفته و همبستگی قراردادی را تأمین می‌کند. گاهی اوقات این یک تعهد به آگاه کردن است، یعنی ارائه اطلاعات به روشی خنثی و خام که امکان رضایت و تأمین هرچه بیشتر منافع شریک قراردادی را در زمان انعقاد و اجرای عقد فراهم می‌آورد. در مواقع دیگر، این یک تعهد به **اخطار** دادن با جلب توجه فرد به خطرات، به جنبه منفی یا اقدامات احتیاطی همراه یک رفتار خاص یا اقدامات احتیاطی که می‌بایست همراه چنین رفتاری باشند، است. سرانجام، این می‌تواند تعهدی برای مشاوره دادن باشد، زمانی که چنین تعهدی مورد درخواست قرار می‌گیرد تا در مورد مناسب بودن اتخاذ یک رفتار خاص

1. Mazeaud, D., obs. sous Cass. civ. 1e, 11 juin 1996, Defrénois 1996 : 1007.

اظهار نظر کند یا تصمیم طرف قراردادی را به طور مثبت جهت دهی نماید یا حتی او را ترغیب کند که عقد را منعقد ننماید (Mehanna, 2014: 225).

تمایز بین این روش‌ها یا درجات متفاوت، همیشه در عمل مشهود نیست. این امر بستگی زیادی به اوضاع و احوال دارد. درجه توجه به منافع اطراف عقد می‌تواند به عنوان یکی از عوامل تمایز بخش عمل کند. حال به بررسی هر یک از این تعهدات می‌پردازیم.

#### ۱-۴- تعهد به آگاه کردن

تعهد به آگاه کردن در نهایت معادل تعهد ساده ارائه اطلاعات است. «هر دو مورد، شامل ارائه یک عنصر عینی به دیگری، در حالت خام است» (Fabre-Magnan, 1992: 8 ; Viney et al, 2013: 557). این کیفیت تعهد، به خودی خود خنثی‌ترین است، به این مفهوم که در اینجا توجه به منافع اطراف عقد به طور مستقیم قابل مشاهده نیست، زیرا دقیقاً به عنوان یک تعهد ساده اطلاع‌رسانی تحقق می‌یابد: دادن اطلاعات برای اجرای این تعهد و امثال تکلیف، کافی است. اطلاعاتی هر چند خام که در زمان اجرای قرارداد حاصل می‌شود، غالباً به اطراف عقد امکان می‌دهد تا از مزایای آن برای جلب هر چه بیشتر رضایت نسبت به منافع قراردادی خود، استفاده نمایند.

یک مورد بسیار جالب، تعهد اطلاع‌رسانی را برای حفظ منافع شریک قراردادی در سطح اروپا معرفی کرده است. این حکم Zolatas علیه Grèce از دادگاه حقوق بشر اروپا است که در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۱۳ صادر شده و در آن دولت بر اساس ماده ۱ پروتکل شماره ۱، با حمایت علیه خسارت وارده به اموال و حق مالکیت، محکوم می‌شود. حقایق این پرونده از این قرار است. متقاضی یا خواهان آقای Zolatas می‌بیند که بر اساس دستورالعمل‌ها، تمامی ادعاهای خود را در خصوص حساب بانکی که قبلاً افتتاح کرده لیکن بیش از ۲۰ سال است که هیچ‌گونه عملیاتی در آن انجام نداده، در دادگاه مدنی از دست می‌دهد، لیکن دادگاه حقوق بشر اروپا به دلیل نقض ماده ۱ پروتکل مزبور، بیان می‌کند که «دارنده یک حساب، از روی حُسن نیت می‌تواند انتظار داشته باشد که سپرده او نزد بانک امن است، به ویژه هنگامی که متوجه می‌شود که از حساب وی سود دریافت می‌گردد. قانونی است که انتظار داشته باشد که وضعیت تهدید کننده تعادل و توازن توافقی که وی با بانک منعقد کرده و منافع مالی آن را تهدید می‌کند، مورد توجه قرار گرفته و به وی اطلاع داده شود تا بتواند از قبل برای مطابقت با قانون و محافظت از حق مالکیت خود اقدامات لازمه را انجام دهد. چنین

1. CEDH, 29 janv. 2013, no 66610/09, Zolotas c/ Grèce : RTD civ. 2013, p. 336, obs. Marguénaud, J.-P., RDC 2013, n° 3, p. 837, obs. J. Rochfeld.

۲. پروتکل منضم کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی

رابطه اعتماد، ذاتی عملیات بانکی و حقوق مربوط به آن است. دولت وظیفه و تعهد مثبتی (فعل) در حمایت از شهروندان دارد و همچنین باید تعهد بانکها را نیز در نظر داشته باشد، به این صورت که با توجه به عواقب ناخوشایندی که ممکن است دستورالعملها داشته باشند، بانکها باید به دارنده حساب غیرفعال، از نزدیک شدن به پایان مدت دستورالعمل حساب بانکی اطلاع داده و بنابراین به او امکان دهند تا با انجام مثلاً اقدامی در حساب بانکی خود، مدت زمان دستورالعمل بانکی را قطع کند.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، دولت به دلیل عدم تذکر به بانک در خصوص تعهد اطلاع‌رسانی به صاحب حساب پیرامون آنچه که منافع وی، به ویژه در این مورد، حق مبنایی و اساسی مالکیت را تهدید می‌کند،<sup>۱</sup> محکوم می‌شود.

با این حال، می‌توانیم بگوییم که توجه به منافع متعاقدين، در سایر روشهای تعهد اطلاع‌رسانی بیشتر مورد توجه است زیرا درجه بالاتری از همکاری و کمک متعاقدين در آنها هویدا می‌شود.

#### ۲-۴- تعهد اخطار دادن

تعهد به اخطار یا هشدار دادن، تعهد به ارائه اطلاعات است، اما با برجسته کردن جنبه منفی (عیسائی تفرشی و رحیم‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۳۱؛ ۱۳۱: ۱۳۹۴؛ ۱۷ و ۲۲: Bourdalle et Lasserre Capdeville, 2006)، معایب، ریسک یا حتی خطرانی (Fabre-Magnan, 1992: 372) که در عنصر و موضوع اطلاعات وجود دارد. هدف این تعهد در نهایت این است که طرف قرارداد را از اتخاذ رفتار خاصی منصرف کند. بنابراین چنین تعهدی شامل یک بُعد هشداردهنده در برابر خطر (Fabre-Magnan, 1992: 372) یا در برابر یک محدودیت فنی است (Le Tourneau, 1986; Le Malaurie et al, 2013: 388). (Tourneau, 1996: 365). اطلاعات در اینجا با جنبه منفی آن پیوند دارد. «هشدار دادن به کسی، مطمئناً ارائه اطلاعات به وی است، اما با اصرار و جلب توجه وی به خطرانی که او به آن‌ها توجه ندارد... این تعهد تأکید بر عواقب عینی که از این اطلاعات ناشی می‌شوند، از منظر خطر و ریسکی که باید حذف شوند، می‌باشد» (Fabre-Magnan, 1992: 8).

در حکمی در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۹۱،<sup>۲</sup> دیوان عالی کشور فرانسه مقرر می‌کند که «رابطه قراردادی بین مشتری و بانک هرچه باشد، بانک وظیفه دارد که وی را از خطرات ناشی از معاملات سودگرایانه

1. Marguénaud, J.-P., obs. sous CEDH, 1re sect. 29 janv. 2013, Zolotas c/ Grèce, n° 2, RTD Civ. 2013, p. 336. ; Rochfeld, J., obs. sous CEDH, 1re sect. 29 janv. 2013, Zolotas c/ Grèce, n° 2, RDC 2013, p. 837, spéc. no 4.

2. Cass. com., 5 nov. 1991, no 89-18.005, Bull. civ. 1991, IV, n° 327. ; Cass. com. 10 déc. 1996, no 94-16.082, Juris-Data no 1996-00-4769, Bull. civ. II, no 307. ; Cass. com. 22 mai 2001, no 98-14.087, Juris-Data no 2001-00-9673, Bull. civ. IV, no 94.

در بازار مطلع سازد، مگر در مواردی که خود مشتری از آن‌ها آگاهی دارد». این وظیفه اطلاع‌رسانی به‌صراحت به‌وسیله وظیفه اخطار دادن مشخص می‌شود.

نحوه اجرای تعهد اخطار نیز توجه خاص و شخصی به وضعیت و منافع شریک قراردادی را آشکار می‌کند. افشا کردن خطرات یا معایب به خودی خود همیشه کافی نیست، لازم است اطمینان حاصل شود که هدف اخطار واقعاً محقق شده است، یعنی اینکه توسط اطراف عقد، پیوندی بین خطرات یا مضرات و وضعیت خاص متعاقدين، برقرار شده است. پس اطلاعات باید «مطابق با واقع»<sup>۱</sup> باشد. در نظام حقوقی ایران نیز بعضاً تعهد به اخطار دادن به چشم می‌خورد، لیکن آنچه که آن را از مبحث فعلی کاملاً متمایز می‌کند، این است که تعهد مزبور را ذیل تعهد به تسلیم مورد معامله (کاتوزیان، ۱۳۹۲/۱: ۱۶۸) طرح کرده و با وجود ابتدای آن به شرط ضمنی، در نهایت از آن مسئولیت مدنی غیرقراردادی استنباط می‌شود. توضیح آنکه از یک‌سو اگر مبنای چنین تعهدی شرط ضمنی در ارائه تمامی اطلاعات لازم در امتثال از تکلیف تسلیم مورد معامله باشد، تخطی از آن می‌بایست مسئولیت قراردادی (عدم تسلیم مورد معامله) ایجاد کند و از سوی دیگر، ضمانت اجرای مسئولیت مدنی غیرقراردادی، ارتباطی به موضوع نوشتار حاضر که در پی تحلیل تعهد ارائه اطلاعات بر مبنای همبستگی قراردادی و در نتیجه توجیه آن بر مبنای قرارداد است، نخواهد داشت. از این‌رو آنچه که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد این است که در نظام حقوقی داخلی نیز بر مبنای همبستگی قراردادی و لزوم همکاری منتج از آن، هر جا که اطلاعات برای طرف قراردادی مفید باشد، می‌توان از تعهد طرف دارنده اطلاعات در لزوم آگاه‌سازی شریک قراردادی خود سخن گفت. امری که در رأی پیش‌گفته دیوان عدالت اداری به‌وضوح شاهد آن هستیم.

در حقوق فرانسه به‌طور خاص‌تر، این تعهد به بانک‌های ارائه‌دهنده اعتبار (Routier, 2005: 80 ; HeugasDarraspen, 2005: 384 ; Mestre, 1996: 384) تحمیل می‌شود، که به وام‌گیرنده جاهل (Aynès, 2006: no 13) اجازه می‌دهد از اخذ اعتبار بیش از حد امتناع کند. البته این تعهد به‌وسیله وظیفه عدم مداخله بانک در امور مشتری متعهد، محدود می‌شود.

در نهایت، این هشدار همراه با الزام «توصیه به وی برای اتخاذ بهترین راه‌حل»<sup>۲</sup> است که ما را به سومین روش و کیفیت از تعهد ارائه اطلاعات می‌رساند: یعنی تعهد به مشاوره.

1. Mazeaud, D., obs. sous Cass. com., 20 octobre 2009, no 08-20274, RDC 2010 : 30. ; et D. Noguéro, obs. sous Cass. civ. 1e, 12 juin 2012, n° 11- 18.277, (inédit), RD imm. 2012 : 459.  
2. Djoudi, J., note sous Cass. com., 10 mai 2012, no 11-15.206, Juris-Data no 2012-009459, RD bancaire et fin. 2012, no 4, comm. no 123. ; Kullmann, J., note sous Cass. 2e civ., 2 oct. 2007 : RGDA 2008 : 171.



## ۳-۴- تعهد به مشاوره

تعهد به ارائه مشاوره (Le Tourneau, 1996: 380) بالاترین کیفیت و روش تعهد اطلاع‌رسانی است (Picod, 1988: no 18). «وظیفه مشاوره، ماهیتاً بیش از یک تعهد ساده برای ارائه اطلاعات، با مجبور کردن طرف آگاه به ترک موقعیت خود به منظور قرار گرفتن فعال در کنار شریک قراردادی است تا منافع شخصی وی را آشکار کند» (Mestre, 1999: 83). بنابراین، این تعهد یکی از فعال‌ترین ابزارها برای در نظر گرفتن منافع اطراف عقد است.

با تعهد به مشاوره، در واقع، چیزی بیش از یک آگاهی ساده وجود دارد، بلکه تعهد به جهت‌دهی یک تصمیم (Legeais, 2001: 317) و بیان نقاط قوت و ضعف آن مطرح است تا اینکه بتوان بهترین راه‌حل را برگزید (Mehanna, 2014: 231).

حکم مورخ ۱۲ اکتبر ۲۰۰۶ فرانسه به وضوح این تفاوت را نشان می‌دهد: تعهدات آگاه کردن و مشاوره (از این نظر متمایز می‌شوند که تعهد ارائه اطلاعات (یا تعهد آگاه کردن) مربوط به شرایط خدمات درخواست شده توسط مشتری می‌باشد، در حالی که تعهد به مشاوره به مناسب بودن خدمات (برای مشتری) مربوط است).

این درجه خاص از تعهد اطلاع‌رسانی خیلی زود در حقوق فرانسه در معرض دید قرار می‌گیرد، در موردی<sup>۳</sup> قضاوت می‌شود که اطلاعات خالص و ساده برای معافیت گاراژدار از مسئولیت خود در قبال مشتری کافی نیست، زیرا مشتری را از انجام تعمیرات اتومبیل خود منصرف نکرده، تعمیراتی که بیش از ارزش بازاری خود اتومبیل بوده است. در اینجا «یک وظیفه واقعی مشاوره وجود دارد که به‌عنوان یک وظیفه فعال برای توصیه یا هشدار، مانند یک وظیفه برای همکاری، اگر نه در جستجوی سودمندترین راه‌حل، حداقل برای جلوگیری از یک اقدام زیان‌آور، درک می‌شود»<sup>۴</sup> که برعهده گاراژدار است (Mehanna, 2014: 232).

در امور انفورماتیک، دادگاه تجدیدنظر پاریس در تاریخ ۱۸ ژوئن ۱۹۸۴<sup>۵</sup> حکم می‌دهد «شرکتی که مسئول تهیه نرم‌افزار کاربردی برای شریک قراردادی خود است، دارای یک تعهد مشاوره می‌باشد. به عبارت دقیق‌تر، باید از یک طرف به مشتری کمک کند تا نیازهای خود را تعریف کرده و آن‌ها را به

1. «l'obligation de conseil est beaucoup plus contraignante que l'obligation d'information. (...) Informer, c'est porter à la connaissance d'un tiers une information qu'il ne possède pas et qui peut lui être utile. Le devoir de conseil consiste à donner un avis à quelqu'un pour orienter son action».

2. CA Paris, 12 oct. 2006, Juris-Data, no 2006-32-7372.

3. CA Rouen, 18 mai 1973, Gaz Pal. 1973, 2, p. 740.

4. Cornu, G., obs. sous CA Rouen, 18 mai 1973, Gaz Pal. 1973, 2, p. 740, RTD civ. 1974, p. 164.

5. CA Paris, 18 juin 1984, Rev. Droit de l'informatique 1984, n° 4, Juris., p. 22, comm. C. CastetsRenard.

زبان واضحی در رابطه با برنامه انفورماتیک (IT) و اهداف موردنظر ترجمه کند و از طرف دیگر، با انجام یک مطالعه مقدماتی و جدی در مورد نیازهای تعریف شده، به ایجاد و توسعه نرم‌افزاری که تا حد امکان به اهداف موردنظر نزدیک می‌شود، دست یابد».

وظیفه مشاوره، هر یک از طرفین را به هوشیاری و کوشش بیشتر، برای مشارکت بیشتر در مراحل مختلف اقدامات و برای تطبیق مشاوره با نیازهای موجود دعوت می‌کند. این وظیفه در نهایت نوعی همبستگی یا حتی مشارکت بین طرفین ایجاد می‌کند که صرف تعهد به ارائه اطلاعات نمی‌تواند توجیه‌کننده آن باشد (Diesse, 1999: 737 et 750 ; Le Tourneau, 1996: 380-381).<sup>۱</sup>

در واقع در برخی موارد، «دیگر فقط مسئله کمک به شریک قراردادی مطرح نیست، بلکه همکاری با وی است، به این معنا که اطراف عقد برای گفتگو، تبادل نظر، بحث در مورد جوانب مثبت و منفی یک تصمیم، ارزیابی مشترک محاسن یک انتخاب، فراخوانده می‌شوند» (Diesse, 1999: 750). در اینجا مشاوره به همبستگی، همکاری، تبادل نظر و گفتگو تبدیل می‌شود. تعهدی که به‌ویژه با استناد به قسمت ج ذیل بند ۶ اصل ۲ و بند ۱۵ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان آن را توجیه کرد. در مرحله بعد، مقایسه تعهد به اخطار و تعهد به مشاوره، اگرچه به‌طور فزاینده‌ای توسط دیوان عالی کشور فرانسه (Boucard, 2002: 21) متمایز می‌شوند، جالب خواهد بود.

ممکن است در نگاه اول فکر کنیم که «تعهد به اخطار نسبت به مشاوره، الزام مهم‌تری است، زیرا تعهد به اخطار علاوه بر مشاوره و توصیه، توضیح عواقب مضر عمل نکردن به مشاوره را نیز شامل می‌شود» (Fabre-Magnan, 1992: 373). اما این ادعا تمام نیست، زیرا مشاوره به بیان جزئیات بیشتر می‌پردازد و بنابراین «به شناخت و دانش گسترده‌تری از طرف متعهد دلالت دارد» (Fabre-Magnan, 1992: 382). علاوه بر این، مشاوره می‌تواند مثبت یا منفی باشد. بنابراین مشاوره می‌تواند اخطار را در کنار جنبه مثبت خود برای تشویق به اتخاذ برخی رفتارها، دربر بگیرد. به همین دلیل است که در حقوق تجارت بین‌الملل، وظیفه مشاوره به‌عنوان عمل «مشاوره دادن به شریک قراردادی در مورد مناسب بودن، سودمندی و حتی در مورد ریسک‌ها و خطراتی که طرفین یا یکی از آن‌ها در جریان انجام یک تعهد و اعمال یک حق با آن روبه‌رو می‌شوند» (Diesse, 1999: 749) تعریف شده است.

بگذارید رأی<sup>۲</sup> را مورد بررسی قرار دهیم که بین تعهد آگاه کردن، تعهد مشاوره و تعهد اخطار افتراق قائل می‌شود. در یک مورد وام املاک و مستغلات، جایی که یک تعهد قانونی برای ارائه

1. Cass. civ. 2e , 17 nov. 1993, SCI Windsor Poissy c/ épouse Rouland, La vie judiciaire des 21 au 27 février 1994, p. 8.

2. Cass. civ. 1e , 27 juin 1995, no 92-19212, Bull. civ. I, no 287, Defrénois 1995, n° 22, p. 1416, obs. D. Mazeaud.

اطلاعات وجود داشت، حکم داده می‌شود که «ارائه پیشنهاد مطابق با الزامات ماده ۵ از قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۷۹ موسسه اعطا کننده اعتبار را از وظیفه خودش در ارائه مشاوره به وام‌گیرنده، به‌ویژه هنگامی که به نظر این متخصص (یعنی وام‌دهنده) می‌رسد که هزینه‌های وام نسبت به منابع محدود مصرف کننده، گران و بیش از حد سنگین است، معاف نمی‌کند».

نخست، از تصمیم مذکور استنتاج می‌شود که انجام تعهد قانونی برای آگاه کردن از طریق مکاتبه ساده داده‌ها در این مورد کافی نیست. مشاوره فقط دادن اطلاعات ساده نیست. آنچه که مورد نیاز بوده، علاوه بر انطباق با یک تعهد مشاوره که رفتار بسیار پویاتر از طرف بدهکار را فرض می‌کند، اجرای آن به معنای تدقیق در مورد اطلاعات داده شده است. بنابراین تعهد مشاوره، بر تعهد آگاه کردن حاکم بوده و وام‌دهنده را ملزم می‌کند تا در مورد مناسب بودن انعقاد قرارداد و خطراتی که چنین وامی با توجه به وضعیت مالی وی ایجاد می‌کند، به وام‌گیرنده متقاضی اطلاع داده و وی را آگاه کند.<sup>۱</sup>

سپس، بر متعهد (وام‌دهنده) یک «تعهد واقعی انصراف»<sup>۲</sup> تحمیل می‌شود که فراتر از هشدار است، زیرا وی را ملزم می‌کند تا متعهدله (وام‌گیرنده) را به عدم انعقاد عقد ترغیب کند، زمانی که منابع وی با مبلغ وام نامناسب است. این ترغیب به ترک فعل می‌باشد که فراتر از مکاتبه ساده جنبه منفی یا ریسک‌های ملازم با انعقاد قرارداد، یعنی فراتر از تعهد به اخطار دادن است. این یک شیوه با شدت زیاد از توجه به منافع اطراف عقد می‌باشد.

شایان ذکر است که تعهد به مشاوره حق خاصی را در مداخله در امور متعاقدين (Bonneau, 2005: 317 ; Legeais, 2001: no 405) به همراه ندارد (Darmaisin, 2000: 25; Picod, 1988: no 19).<sup>۳</sup> در هر صورت، تعهد ارائه اطلاعات، جایگزین آزادی متعاقدين نمی‌شود. اطراف عقد در رعایت یا عدم رعایت مشاوره یا اخطار، آزادی عمل خود را حفظ می‌کنند.

اما در مورد تعهد به مشاوره که به معنای «انصراف» است، مانند آنچه که در مثال وام املاک و مستغلات قبلاً بیان شد، آیا این تعهد به طور مؤثر دعوت به مداخله در امور دیگران نیست؟ در واقع، «این چیزی فراتر از یک وظیفه ساده برای مشاوره است، که آزادی کامل در انتخاب را در اختیار

1. Mazeaud, D., obs. sous Cass. civ. 1e, 27 juin 1995, no 92-19212, Bull. civ. I, no 287, Defrénois 1995, art. 36210, p. 1416.

2. Mazeaud, D., Ibid. ; TI Bordeaux, 16 févr. 1989, RTD civ. 2000, p. 565, obs. J. Mestre ; Comp. Cass. com. 11 déc. 1990, RTD civ, 1991, p. 319, obs. J. Mestre ; Cass 22 fév. 1994, RTD civ. 1994, p. 850, obs. J. Mestre.

3. Cass. civ. 1e, 14 janv. 1997, JCP G 1997, IV, 461.

4. Picod, Y., L'obligation de coopération dans l'exécution du contrat, **op. cit.**, n° 19 : «D'une façon générale, en matière d'informatique, la jurisprudence impose au professionnel une véritable immixtion dans les affaires de son client. Toutefois cette ingérence (...) doit demeurer exceptionnelle».

وام‌گیرنده گذاشته و به هیچ نتیجه‌ای منجر نمی‌شود. تعهد به منصرف کردن معادل یک تعهد واقعی مداخله در امور وام‌گیرنده است» (Picod, 2004: 843; Crocq, 1999: 349; Le Tourneau, 1986). اگر اصولاً آزادی متعاقدين در مورد تعهد به اخطار و تعهد به مشاوره حفظ می‌شود، طرف قرارداد ممکن است تصمیم بگیرد که از مشاوره پیروی نکند، با این حال در برخی موارد، هنگامی که این مشاوره و توصیه، اخطاری است علیه یک ریسک «آشکار»، این توصیه، به تعهد به امتناع از انعقاد قرارداد تبدیل می‌شود (Vabres, 2012: no 7; Le Tourneau, 1986; Legeais, 2001: 317). پس در عمل، هنگامی که دادگاه بانک را به دلیل انعقاد قرارداد با وجود وضعیت وام‌گیرنده یا ضامن مجازات می‌کند، یک «لغزش» (Vabres, 2012: no 12) از تعهد اخطار یا مشاوره، به یک وظیفه امتناع از انعقاد قرارداد وجود دارد. امری که بسیار جالب توجه بوده و مؤیدی است در اثبات پویایی حقوق قراردادهای در حال حاضر فقط در حقوق فرانسه می‌توان ردپایی از آن دید که زمینه‌سازی ورود آن به حقوق داخلی بر مبنای همبستگی مصرح در اصل ۲ و توسعه برادری و تعاون عمومی مقرر در بند ۱۵ اصل ۳ قانون اساسی می‌تواند در تأمین عدالت قراردادی بسیار مفید باشد.

ضمانت اجرای هر کدام از روش‌های تعهد اطلاع‌رسانی، حسب مورد از حق فسخ قرارداد تا بلااثر کردن اقدامات طرف ناقض تعهد و مسئولیت قراردادی، متفاوت بوده که بررسی هر کدام از آن‌ها نوشتار جداگانه‌ای می‌طلبد.

### نتیجه‌گیری

تعهد ارائه اطلاعات که اغلب در نوشته‌های حقوقی داخلی و خارجی، به تعهد پیش‌قراردادی آن توجه می‌شود، بر مبنای نقص رضایت و حسن نیت توجیه می‌شود. لیکن به منظور تأمین هر چه بیشتر عدالت قراردادی، مبنای جدیدی در حقوق فرانسه مطرح شده که عبارت است از همبستگی قراردادی، مبنایی که براساس مقدمه و قسمت ج ذیل بند ۶ اصل ۲ و بند ۱۵ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز قابل‌شناسایی است. براساس مبنای مزبور دیگر متعاقدين نمی‌توانند نسبت به وضعیت شریک قراردادی خود بی‌تفاوت بوده و صرفاً به دنبال سودجویی و تأمین منافع خود باشند. بنابراین، تعهد ارائه اطلاعات با اتکاء به مبنای جدید همبستگی، لزوم توجه به منافع اطراف عقد را دربرداشته و علاوه بر مرحله پیش‌قراردادی، مرحله پس از انعقاد عقد تا پایان آن را نیز شامل می‌شود. در نظام حقوقی - قضایی ایران نیز تمایل به پذیرش این دیدگاه در دادنامه صادره از شعبه ۱۸ دیوان عدالت اداری دیده می‌شود.

بنابراین از مطالب بیان شده به این نتیجه می‌رسیم که تعهد به ارائه اطلاعات، هر زمان که لزوم توجه به منافع اطراف عقد ایجاب کند حضور داشته و به طرف قراردادی واجد اطلاعات وظیفه ارائه

اطلاعات به شریک قراردادی خود را تحمیل می‌نماید. این تعهد جدید ارائه اطلاعات به سه شیوه مطرح می‌شود؛

۱- تعهد به آگاه کردن. که عبارت است از ارائه اطلاعات به شیوه خام. این تعهد است که در غالب نوشته‌های حقوقی سابق تحت عنوان تعهد ارائه اطلاعات و بر مبنای نقص رضایت یا حُسن- نیت مطرح شده است.

۲- تعهد به اخطار. که شامل ارائه اطلاعات با تمرکز به جنبه منفی و ریسک و خطر اطلاعات بوده و متضمن توجه اطراف عقد به عواقب منفی اقدام به عمل حقوقی خواهد بود.

۳- تعهد به مشاوره. آخرین نوع از تعهد اطلاع‌رسانی بر مبنای همبستگی قراردادی، تعهد به مشاوره بوده که عبارت است از ارائه اطلاعات و تبادل نظر در خصوص جوانب مثبت و منفی آن و تلاش به جهت‌دهی تصمیم شریک قراردادی با در نظر گرفتن تناسب عمل حقوقی با وضعیت و شرایط وی.

در هر سه شیوه تعهد به ارائه اطلاعات، توجه به منافع اطراف عقد وجود داشته که این مهم در تعهد به مشاوره از جایگاه بالایی برخوردار است. تا جایی که در قسم اخیر، ممکن است متعهد ملزم به انصراف و عدم انعقاد عقد با طرف مقابل، در صورت ایجاد شرایط باشد، الزامی که گاهی بر خلاف اصل منع مداخله در امور اشخاص بوده، لیکن گذر از اصل مزبور با الزام توجه به منافع اطراف عقد بر مبنای همبستگی قراردادی توجیه می‌شود.

در نتیجه، تعهد ارائه اطلاعات بر مبنای همبستگی قراردادی، خود را به عنوان معیار رفتاری برای اخلاقی کردن روابط قراردادی تحمیل می‌کند که زمینه‌سازی ورود آن به حقوق داخلی بسیار حائز اهمیت بوده و پیشنهاد می‌شود.

## منابع

## فارسی

- بزرگمهر، امیرعباس و مهران، غزال (۱۳۹۵)، اصلاحات در قانون تعهدات فرانسه، انتشارات دانشگاه عدالت، چاپ اول.
- حاجی‌پور، مرتضی (۱۳۹۵)، «نقش محدودکننده حُسن نیت در مذاکرات»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره چهارم.
- رهپیک، حسن و شمس الهی، محسن (۱۳۹۶)، «مبانی تعهد به ارائه اطلاعات در معاملات سهام»، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش وتوسعه سابق)، دوره جدید، سال بیست و چهارم، شماره دوازدهم.
- سید احمدی سجادی، سید علی و اعلم الهدی، سید حسین و مظلومی، سجاد (۱۳۹۸)، «تعهد به ارائه اطلاعات و متعادل سازی نابرابری اطلاعاتی در برابر گیرنده تسهیلات بانکی در قراردادهای اعتبار با مطالعه تطبیقی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره دهم، شماره دوم.
- شعاریان، ابراهیم (۱۳۹۰)، «تعهد به همکاری متعهدله در اجرای قرارداد» حقوق خصوصی، دوره هشتم.
- شهبازی‌نیا، مرتضی و سجادی، سید کمال (۱۳۹۰)، «تعهد اعطاکننده امتیاز به ارائه اطلاعات صحیح و جامع پیش از انعقاد قرارداد فرانشیز»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره چهل و یکم، شماره سه.
- عیسائی تفرشی، محمد و رحیم‌نژاد، فریده (۱۳۹۴)، «قلمرو تعهد به ارائه اطلاعات به مصرف کننده در حقوق ایران و انگلیس»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره نوزدهم، شماره سه.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳)، قواعد عمومی قراردادها، جلد پنجم، شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲)، عقود معین، جلد نخست، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوازدهم.

## فرانسوی

- Alisse, J. (1975), L'obligation de renseignements dans les contrats, thèse de Doctorat, Paris II.
- Aynès, L. (2006), "Vers une déontologie du contrat ?" conférence à la Cour de cassation le 11 mai 2006, accessible sur le site de la Cour de cassation.
- Aynès, L. (2006), Chroniques de droit des contrats, vers une consolidation de tendances antérieures, Dr. et patr.
- Bonneau, Th. (2005), Droit bancaire, éd. Montchrestien, 6e éd.
- Boucard, F. (2002), Les obligations d'information et de conseil du banquier, PUAM.
- Bourdalle, N. et Lasserre Capdeville, J. (2006), Le développement jurisprudentiel de l'obligation de mise en garde du banquier, Banque et droit.
- Calais-Auloy, J. (1994), L'influence du droit de la consommation sur le droit civil des contrats, RTD civ.
- Christianos, V. (1987), L'obligation d'informer dans la vente des produits mobiliers, Story Scientia.
- Courdier-Cuisinier, A.-S. (2006), Le solidarisme contractuel, préface Loquin. E., Litec. Éd. du Juris-Classeur, Paris.

- Crocq, P. (1999), "Les développements récents de l'obligation d'information de la caution, in *Mélanges Cabrillac*" Dalloz-Litec, Paris.
- D'Aquin, Saint Thomas(1985), *Somme Théologique*, Les éditions du Cerf, Paris.
- Darmaisin, S. (2000), *Le contrat moral*, préface B. Teyssié. éd. LGDJ, Paris.
- Demogue, R. (1931), *Traité des obligations en général*, Vol. 2, effets des obligations, t. 6, éd. A. Rousseau. J.J. Paris
- Diesse, F. (1999), *L'exigence de la coopération contractuelle dans le commerce international*, RDAI.
- El Gharbi, M. (2004), *La justification de l'obligation d'information: contribution à l'étude de la moralisation du droit des contrats*, RRJ.
- Fabre-Magnan, M. (1992), *De l'obligation d'information dans les contrats*, *Essai d'une théorie*, LGDJ, Paris.
- Flour, J. et Aubert, J.-L. et Savaux, E. (2012), *Droit civil, Les obligations*, t. 1. *L'acte juridique*. Sirey, Paris, 15e éd.
- Ghestin, J. (1983), *Conformité et garanties dans la vente*, LGDJ.
- HeugasDarraspen, H. (2005), *Banque et droit*.
- Jourdain, P. (1983), *Le devoir de "se" renseigner*, chron.
- Le Tourneau, Ph. (1986), *Quelques aspects des responsabilités professionnelles*, *Gaz. Pal.*
- Le Tourneau, Ph. (1996), "Les obligations professionnelles" in *Mélanges Louis Boyer*, Presses Universitaires des Sciences sociales Toulouse.
- Legeais, D. (2001), *Les obligations et la responsabilité d'un banquier souscripteur d'une assurance de groupe*, *RD bancaire et fin.*
- Lucas de Leyssac, C. (1978), *L'obligation de renseignements dans les contrats*, in *L'information en droit privé*, LGDJ.
- Mainguy, D. (2014), *Droit d'inventaire : La réforme du droit des contrats et des obligations en 2014?*.
- Malaurie, Ph. et Aynès, L. et Stoffel-Munck, Ph. (2013), *Les obligations*, LGDJ, Paris, 6e éd.
- Mazeaud, D. (2001), *Mystères et paradoxes de la période précontractuelle*, in *Mélanges Jacques Ghestin*, LGDJ, Paris.
- Mazeaud, D. (2012), "Rapport de synthèse in *Colloque La Franchise: questions sensibles*" *Rev. Lamy dr. aff.*
- Mehanna, M. (2014), *La prise en compte de l'intérêt du cocontractant*, Thèse de doctorat en droit privé, Université Panthéon-Assas.
- Mekki, M. (2004), *L'intérêt général et le contrat*, *Contribution à une étude de la hiérarchie des intérêts en droit privé*, LGDJ, Paris.
- Mestre, J. (1986), *D'une exigence de bonne foi à un esprit de collaboration*, *RTD civ.*
- Mestre, J. (1996), *L'heure est décidément au devoir de conseil*, *RTD civ.*
- Mestre, J. (1999), *Actualité de l'obligation d'information et du devoir de conseil*, *RTD civ.*

- Picod, Y. (1988), L'obligation de coopération dans l'exécution du contrat, JCP G.
- Picod, Y. (1990), La clause résolutoire et la règle morale, JCP G.
- Picod, Y. (2004), "Proportionnalité et cautionnement. Le mythe de Sisyphe, in Mélanges Jean Calais-Auloy" **Dalloz**, Paris.
- Ripert, G. (1949), **La règle morale dans les obligations civiles**, LGDJ, Paris, 4e éd.
- Roland, H. et Boyer, L. (1995), **Obligations**, Contrat, Litec, Paris.
- Routier, R. (2005), **Nouveau contour de l'obligation du prêteur de mettre en garde l'emprunteur profane**, Lexbase Hebdo Édition Affaires.
- Sériaux, A. (1998), **Droit des obligations**, PUF, Paris, 2e éd.
- Terré, F. et Simler, P. et Lequette, Y. (2013), "Droit civil. Les obligations" **Dalloz**, Paris, 11e éd.
- Thibierge-Guelfucci, C. (1997), **Libres propos sur la transformation du droit des contrats**, RTD, civ.
- Vabres, R. (2012), **Le devoir de ne pas contracter dans le secteur bancaire et financier**, JCP G.
- Viney, G. et Jourdain, P. et Carval, S. (2013), **Traité de droit civil (sous la dir. de G. Ghestin)**, Les conditions de la responsabilité, LGDJ, Paris, 4e éd.